

بازار سرمایه ابزاری برای بسط طبقه متوسط

حسین عبده تبریزی

امروزه همگان با ابعاد مختلف فعالیت بازار سرمایه و امکانات توسعه بورس آشنا هستند. می دانیم که این توسعه می تواند در خدمت رشد و آبادانی کشور باشد، خلق ارزش کند و کمیت های مورد علاقه ما در حوزه های مصرف، رفاه و تولید را بهبود بخشد. از این رو، بحث خود را به همین موضوع خاص محدود می کنیم.

برنامه های توسعه و عمق بخشیدن به بازار سرمایه کشور که در حال حاضر محدود به بورس است، می تواند خلق ارزش، ثروت، و درآمد کند، اما موضوعی که به همین مقدار اهمیت دارد، مسئله توزیع این ارزش ها و ثروت در کشور است. سوال این است که بورس برای بسط توزیع عادلانه تر منابع، ارزش ها و ثروت چه می تواند بکند؟ آیا بورس می تواند به توزیع ارزش ها و ثروت میان خانواده های ایرانی اقدام کند، به گونه ای که تعدیل ثروت اتفاق بیفتد، تفاوت و شکاف طبقاتی کم تر شود، توسعه اقتصادی کشور بر بی عدالتی امروز نیفزاید و عدالت توزیعی، پایدار شده و تداوم یابد. بی شک بورس تنها ابزار برای چنین اقدام مهمی نیست، نهادها و ابزارهای بسیاری باید خود را در خدمت تحقق این هدف قرار دهند و سیاست های متعددی می باید اعمال شود. اما، درست است بگویم که بورس در این زمینه می تواند به طور جدی تأثیر گذار باشد و تا حدی شکاف بین غنی و فقیر را پر کند. بورس امکان تجمع منابع مالی طبقات ضعیف و متوسط را فراهم می کند و این منابع را در طرح های بزرگ سرمایه گذاری می کند. این امکان تجمع که فواید آن نصیب خانواده های با درآمد پایین نیز می شود، از انباشت ثروت در دست عده معدودی می کاهد و امکان مشارکت عمومی مردم در طرح های سرمایه گذاری را فراهم می آورد.

دغدغه دولت در همه سال های گذشته آن بوده است که تمرکز ثروت در دست افراد خاص، وضعیت ناهنجار و غیر قابل تحملی برای کشور ایجاد نکند و واقعیت های بازار با ضرورت های عدالت اجتماعی منطبق شود. می دانیم که ساختار مالکیتی جامعه و وضعیت ثروت خانواده ها نقش عمده ای در توسعه کشور دارد. دولت نسبت به الگوهای مالکیت در جامعه ایران بی تفاوت نیست، چرا که ترکیب مالکیت خانواده ها بر امنیت اجتماعی تأثیر جدی دارد. چنین است که ترکیب مالکیت افراد و خانواده ها اهمیت پیدا می کند و آن ترکیبی مد نظر قرار می گیرد که به تمرکز بیشتر ثروت و ارزش های اقتصادی منتهی نشود. طبعاً برای دولت قابل تحمل نیست که درصد محسوسی از کل جمعیت زیر خط فقر زندگی کند، در حالی که ثروت کافی در کشور وجود دارد که اگر به درستی توزیع شود، امکان زندگی مادی مناسب برای همه ایرانیان فراهم می شود. توسعه متوازن برای تحقق سلامت فکری و جسمی جامعه می طلبد که برنامه های باز توزیع ثروت و تأمین اجتماعی به درستی به اجرا درآیند.

باید بکوشیم که جامعه ایرانی یک پارچه و منسجم با آینده‌ای اطمینان بخش باشد و شهروندان به دلیل تفاوت‌های فاحش ثروت با تنش در کنار هم زندگی نکنند. جامعه ما نباید از نظر اقتصادی، جامعه‌ای طبقاتی باشد که در آن درصد معدودی از ثروتمندان کشور، کانون تمرکز بیشترین ثروت و درآمد باشند.

طرح توزیع سهام به اصلاح الگوی مالکیت و ترکیب دارایی‌های خانواده‌ها کمک می‌کند، می‌دانیم بی‌تفاوتی نسبت به این موضوع هزینه‌ها و خسارت‌های بسیار سنگین به همراه دارد. اگر به ترکیب مالکیت خانواده‌ها توجه نکنیم و توزیع ثروت بهبود نیابد، در سال‌های آینده ناچاریم هزینه‌های بسیار سنگین تأمین اجتماعی را تحمل کنیم، یعنی، دولت ناچار است به مردمی که برای حمایت از زندگی خود دارایی‌های کافی ندارند، از بودجه عمومی بپردازد.

اگر نتوانیم ثروتی را که خلق می‌شود به طور مناسب توزیع کنیم و اگر نتوانیم توزیع نامناسب درآمد را اصلاح کنیم و سیاست تقویت خانواده‌های ایرانی جهت کسب دارایی‌ها را دنبال نکنیم، دور از انتظار نیست که بخش زیادی از جمعیت به طور مداوم نیازمند اخذ کمک از امکانات تأمین اجتماعی کشور باشند. بنابراین، اگر به ظاهر، از دیدگاه درآمدی، دولت امتیازاتی در این طرح می‌دهد، در عین حال، هزینه‌هایی را در حوزه تأمین اجتماعی صرفه جویی می‌کند. با تقویت ترکیب مالکیتی خانواده‌های ایرانی، بر قدرت خرید خانواده‌ها نیز افزوده خواهد شد. این قدرت خرید و ایجاد خریدار محصولات و خدمات بنگاه‌های اقتصادی، باعث رشد آتی بنگاه‌های اقتصادی نیز خواهد شد.

تقویت ترکیب مالکیت خانواده‌ها به نوبه خود ثبات سیاسی کشور را نیز تقویت می‌کند. اگر خانواده‌ها ثروتمند باشند و توزیع ثروت به درستی انجام شود و موقعیت اقتصادی خانواده‌ها به گونه‌ای باشد که دائماً گرفتار تنگناهای مالی نباشند، ثبات سیاسی لازم برای کشور فراهم می‌شود. شرکت‌های ایرانی می‌باید به گونه‌ای تأمین مالی شوند، نظام تأمین اعتبارات و منابع مالی ما می‌باید به گونه‌ای باشد که هدف ایجاد مالکیت برای مالکان جدید دنبال شود، نه این که سرمایه بیشتری برای مالکان موجود تأمین مالی شود. تلاش‌های دولت به همراه ابتکارات بخش خصوصی می‌باید باعث توسعه مداوم ترکیب مالکیتی خانواده‌ها شود، چرا که این سیاست نه تنها باعث توزیع ثروت می‌شود، بلکه هزینه‌های تأمین اجتماعی بودجه عمومی را هم کاهش می‌دهد.

به دلیل توزیع نامناسب ثروت نمی‌توان از غامض‌شهر و ندان و دست‌مزد بگیران خواست که با منابع بسیار محدود درآمدی خود، سهم مالکیت عمده‌ای در شرکت‌ها به دست آورند. در این مسیر، پیشنهاد آن است باید از همان الگوهایی که به شکل بسیار موفق‌ی به تمرکز ثروت انجامیده است، برای توزیع ثروت بین تعداد گسترده تری از خانواده‌ها استفاده کرد.

از تجربه توسعه طرح‌های مشارکت در سود و اعطای سهام به کارگران و کارکنان که طی سال‌های گذشته دنبال شده، باید استفاده کرد. البته، طرح‌های گذشته دارای محدودیت‌هایی بوده است که باید از آن اجتناب کرد. به علاوه، در واگذاری بنگاه‌های اقتصادی دولتی از قبیل بانک‌ها و بیمه‌ها به کارکنان آن واحدها اولویت داده شده است تا ایجاد انگیزه بیشتر شود. حاصل، سهامدار کردن کارمندان و کارکنان خصوصی و دولتی همراه با پس‌انداز کردن بیشتر این اقشار و تشکیل سرمایه در کشور خواهد بود.

انتقال عنوان دارایی‌ها

انتقال عنوان دارایی از دولت به نهادها و افراد، تغییری در میزان دارایی‌های جامعه به وجود نمی‌آورد و مشکلی بروز می‌کند. مثلاً به عنوان یکی از برنامه‌های دارای اولویت وزارت اقتصاد، تسویه با بانک‌ها برای اصلاح مناسبات مالی در کشور و ایجاد انضباط مالی دولت ضروری اعلام شد، و نگارنده پیشنهاد کرده است که بدهی دولت با بانک‌ها به سرعت تسویه شود. انتقال دارایی از دولت به بانک‌ها مشکلی در کل کشور ایجاد نمی‌کند و موجودی ثروت ما تغییر نمی‌کند. مثلاً، اگر سهام کارخانه‌ای که امروز در مالکیت دولت است، تغییر عنوان دهد و به مالکیت بانک درآید، توان تولید و خلق ارزش در جامعه کاهش نمی‌یابد. حتی شواهدی وجود دارد که در صورت انتقال حقوق مالکیت دولت به بانک‌ها و با افزایش میزان منابع در اختیار بانک‌ها، تخصیص منابع در جامعه به شکل بهتری صورت می‌گیرد. بنابراین، دولت نگران آن نیست که عناوین دارایی از دولت به مردم یا به بانک‌ها منتقل شود. در واقع، تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که هر چه دولت عناوین کم‌تری از دارایی‌ها را در اختیار داشته باشد، خلق ارزش در جامعه به شکل بهتری صورت می‌گیرد.

به همین ترتیب، انتقال عنوان دارایی از دولت به مردم از ثروت جامعه نمی‌کاهد، فرآیند خلق ثروت را کند نمی‌کند و اگر به درستی صورت گیرد، با باز توزیع دقیق‌تر ثروت، به تحرک و سرزندگی خانواده‌های ایرانی می‌انجامد و در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شود ارزش‌های بیشتری در جامعه خلق شود. از این رو، به باور ما انتقال بخشی از دارایی‌های در اختیار دولت به مردم ابزار مهمی است که اکنون برای بسط طبقه متوسط در اختیار داریم.

امروز خوشبختانه، بسترهای قانونی موجود برای انتقال عنوان دارایی از دولت به غیر دولت فراهم است و چون دولت با موانع قانونی روبه‌رو نیست، نباید در این مهم کوتاهی کرد.